

تاریخ دانش جهانگردی و گردشگری ایران و جهان

فرشید ابراهیم پور
کارشناس ارشد تاریخ و امور فرهنگی و پژوهشی
تقسیم سوم

با ایتالیا برای جنگ با پادشاهی عثمانی، که در آن هنگام از گسترش بازرگانی میان کرانه های دریای مدیترانه و ایران و هندوستان جلوگیری می کرد، به ایران آمده بودند. گفتنی است که گسترش پیوند های ایران با اروپا از روزگاران صفوی آغاز می شود، جهانگردان و گردشگران این روزگاران به سه دسته تقسیم می شوند:

۱- جهانگردان و بازرگانانی که انگیزه شان آشنایی با چگونگی کشور و پژوهش در جنبه های نهفته و

درباره های ایران زمین بود. این کسان در پایان گردشگری گردشنامه هایی نیز بر جای گذاشته اند.

۲- نمایندگان که برای گسترش و بیشتر نمودن پیروان دین مسیح به ایران آمده بودند و در هنگام ماندگاری خود در ایران آنچه را که دیده اند به نگارش خود درآورده اند.

۳- نمایندگان که برای انجام کارگزاری های سیاسی به ایران آمده اند و در بازگشت، درباره ی سرانجام این گردشگرشان نگاشته ای را به یادگار گذاشته اند. نوشته اند جهانگردان و گردشگران روزگار صفویان از کشورهای گوناگونی بوده اند و به همین سویی گردشنامه های آنان به زبان های هلندی، فرانسوی، انگلیسی، آلمانی، روسی، ایتالیایی، پرتغالی، اسپانیولی نوشته شده است. در روزگاران خاندان های افشار و راهگشا و رهیافتی بزرگ و روشنگر به شمار می روند. آشکار است که گردشنامه های این جهانگردان در بسیاری از هنگام در بر گیرنده ی چگونگی های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و آیینی کشور سرفراز و کرامیمان ایران نیز می شود.

پیش از بر پای پادشاهی دودمان صفویان در ایران، یعنی در روزگاران "تیموریان" از سوی بازرگانان ایتالیایی نمایندگان برای بر نام نمودن پیوندهای بازرگانی با ایران و به کردن فرمانروایان و مردمان کشورهای خود

درباره ی چگونگی های ایران و برخی از کشورهای دیگر و در زمینه های گوناگون گردشنامه ها و نگاشته ها و نقشه های فراوانی را از خود به جای گذاشته اند. ارزشمندترین کارهای آنها بررسی های سودمندی انجام می گردد. زیرا آنها با تلاش ها و کوشش های فراوانی که از خود نشان دادند نقش بسیار سودمندی را در گسترش دانش جهانگردی و گردشگری از خود به یادگار نهاده اند کسانی چون:

بنیامین تود لایی: "بنیامین تود لایی یا بنیامین تطولی totili benyamineot در گذشته به سال ۱۱۷۳/۵۲۷ ه. ق. ۱۱۷۳ خ. خام و جهانگرد یهودی اسپانیایی است که از "سارا گوسا" به فرانسه، یونان، ایتالیا، فلسطین، ایران و چین گردش نمود و از راه عربستان مصر و سیسیل به اسپانیا بازگشت. به نظر می رسد که او نخستین جهانگرد اروپایی است که به سرزمین های خاور زمین رسیده است. درباره ی زندگی او تنها آگاهی ما دانسته هایی است که وی در گردشنامه اش آورده است. انگیزه بنیامین در این گشت و گذار، تنها بررسی زندگی و چگونگی روزگار هم کیشان خود نبوده، زیرا به چگونگی زندگی و روزگار دیگر مردمان نیز نگرش داشته است.

کلاویخو: "روی گونتالت د کلاویخو Ruygontlet dekavixo از نزدیکان دربار هانری سوم "پادشاه آستیل بود و در سال ۱۴۰۳/۸۰۷ ه. ق. ۱۷۸۲ خ. با سرپرستی یک دسته سفری به نام نمایندگی از سوی هانری، از اسپانیا به سوی سمرقند و در راه دربار "امیر تیمور گورکانی رفت و در سال ۱۴۰۴/۸۰۷ ه. ق. ۱۷۸۳ خ. به آنجا رسید. وی دو سال پس از آن به مادرید بازگشت. کلاویخو که مردی تیز بین، نکته سنج و دانا و کاردان بود با قلم توانای خود، گردشنامه هایی را در ازای این گردشگری بلند هنگام در گردشنامه ی خود نوشته است و در بردارنده ی آگاهی های سودمندی

درباره ی چگونگی های سیاسی و اجتماعی آن هنگام میباشد.

سفرنامه های ونیزیان در ایران: در هفتاد سال پس از درگذشت "امیر تیمور گورکانی" جمهوری ونیز به بهره برداری از بودن همسر اروپایی "اوزن حسن" او برای هم پیمان کردن فرمانروایان "آق قویونلها در روبروی با دشمنان ترکان عثمانی دست به کار فرستادن نمایندگان به دربار ایران بر آمد. در سال ۸۷۱/۸۷۵ ه. ق. ۸۵۰ خ. کاتر Caterinoz" نمایندگان دیگری نیز با انگیزه های سیاسی و بازرگانی از سوی کشور جمهوری ونیز به سوی ایران آمدند که برخی از آنها این کسان بودند:

"جو زفابار بارو" آنجولیو، Angolello، "وین چن تیرو دالساندرو، Vincentio Dalessandri"، این کسان در بلندای سالهای پادشاهی "اوزن حسن" ۸۷۲-۸۸۳ ه. ق. ۱۴۶۸-۱۴۷۸/۸۵۷-۸۵۷ ه. ق. "شاه تهماسب دومین پادشاه صفوی ۹۳۰-۹۸۴ ه. ق. ۱۵۲۴-۱۵۷۶/۹۰۳-۹۰۳ ه. ق. به ایران آمده اند و همان گونه که گفته شد کارگزاری بنیادیشان درون نمودن ایران به جنگ با کشور عثمانی و جلوگیری از گسترش خواهی و پیشروی ترکان عثمانی در اروپا بوده است. بر او یاد است فرمان داد تا ایران را ترک قو بولنھا" اسناد تاریخی فراوانی در دست نیست، باید گردشنامه های یاد شده را از ارزشمندترین نگاشته های سودمند تاریخی آن روزگاران به شمار آورد. خوشبختانه همه ی یادداشت های جهانگردان نام برده، به چاپ رسیده اند و در بردارنده ی آگاهی های سودمندی درباره ی چگونگی های اقتصادی و اجتماعی ایران در آن هنگام می باشند.

"انتونیو جینکین سن Ser Antoni Jenkin son" (در گذشته به سال ۱۶۱۱) بازرگان انگلیسی است که دوازده ی نامه ای از سوی "الیازت یکم" پادشاه زن (ملکه ی) انگلستان بودوی پس از دستیابی به پشتیبانی از سوی "ایوان مخوف" تزار روسیه از راه



ولگا به دریای خزر آمد و از راه بادکوبه به شمشاخ رفت، سپس از راه اردبیل، راهی ایران شد و در قزوین به دیدار شاه رفت. شاه تهماسب جینکین سن را گرمی داشت و با او به مهربانی رفتار نمود، با این همه تا دانست که وی پیرو دین عیسی (درود در اروپا بوده است. بر او یاد است فرمان داد تا ایران را ترک قو بولنھا" اسناد تاریخی فراوانی در دست نیست، باید گردشنامه های یاد شده را از ارزشمندترین نگاشته های سودمند تاریخی آن روزگاران به شمار آورد. خوشبختانه همه ی یادداشت های جهانگردان نام برده، به چاپ رسیده اند و در بردارنده ی آگاهی های سودمندی درباره ی چگونگی های اقتصادی و اجتماعی ایران در آن هنگام می باشند.

تکتا ندر: "تکتاندر tectender از مردم "ساکس" آلمان است که از سوی "رودلف دوم" قیصر آلمان، به همراه گروهی به سوی ایران آمد که همراهانش در درازای راه در گذشتند. خود او در سال ۱۶۰۳/۱۰۱۳ ه. ق. در تبریز به دیدار شاه عباس یکم آمد، گزارش های گردشگری گونه ی او نیز دربردارنده آگاهی های فراوان و سودمندی درباره ی چگونگی شهرهای آذربایجان و گیلان در آن هنگام می باشد.

بررسی دانش جهانگردی و گردشگری کاری بسیار بزرگ و سودمند اما پیچیده و دشوار است زیرا در این زمینه می بایست همه ی سوی ها در رویکرد باشد و کم ارزش دانستن حتی یکی از بخش های این دانش بزرگ و بسیار گسترده که هم اکنون پایه و ریشه اقتصاد و درآمد زایی بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشور گرامی ما ایران زمین سرفراز بدان وابسته است می تواند آسیب های سخت و ویران کننده ای را در اقتصاد کشورهای گوناگون جهان درون سازد.

در مقاله ی سوم در این باره نگارنده تلاش نموده است که با نگاهی گذرا به نقش تاریخی بزرگترین و نشان گذارترین گردشگران و جهانگردان جهان از سوی های گوناگون به ارزیابی فرازو نشیب این دانش در کشورمان بپردازد. با امید به گسترش روزافزون در این دانش با صنعت بسیار پر درآمد که می تواند اقتصاد کشورمان را پیش از پیش شکوفا سازد.

زیمباوه، سرزمین مه خروشان

زیمباوه کشوری است در جنوب آفریقا. پایتخت آن هراره است. مدتی رودزای جنوبی نامیده می‌شد. این کشور ۱۳/۳۴۹/۰۰۰ نفر جمعیت دارد. مردم آن به داشتن فرهنگ بالا و تحصیلات خوب معروفند. نمایشگاه بین المللی کتاب زیمباوه که هر ساله در اول ماه اوت برگزار می‌شود، معتبرترین نمایشگاه کتاب در قاره آفریقا محسوب می‌شود. زیمباوه سرزمین آیشار ویکتوریا، یکی از عجایب طبیعی جهان است که در سال ۱۹۷۰ استقلال خود را به دست آورد. زیمباوه از جنوب با آفریقای جنوبی، از جنوب غربی با بوتسوانا، از شمال غرب با زامبیا و از شرق با موزامبیک همسایه است. این کشور در قرن نوزدهم میلادی مستعمره انگلیس شد. از سال ۱۹۶۵ کم‌کم تلاش‌ها برای استقلال در این کشور آغاز شد و سرانجام در سال ۱۹۷۰ میلادی رسماً جمهوری زیمباوه اعلام موجودیت کرد. در سال ۱۹۸۰ رابرت موگابه به عنوان نخست وزیر این کشور انتخاب شد. پس از آن در سال ۱۹۸۷ در قانون اساسی این کشور اصلاحاتی ایجاد شد که بر اساس آن موگابه رئیس جمهور شد. جمعیت این کشور شامل ۱۲ میلیون و ۳۱۱ هزار و ۱۴۳ نفر است که میانگین سنی آنها ۲۰٫۱ سال است. زبان رسمی آنها انگلیسی و واحد پولشان دلار زیمباوه می‌باشد. مذهبشان آنیمیست (۴۲٪)، انگلیکن (۳۰٪)، کاتولیک رومی (۱۵٪) و پرسپیتی و رشد سالانه ۶٫۶۸٪ میانگین طول عمرشان ۶۳ سال می‌باشد.

حکومت: مجمع ملی با ۱۵۰ عضو متشکل است از ۱۲۱۰ نماینده که با رأی تمامی افراد بالغ به طور مستقیم و برای شش سال انتخاب می‌شوند، ۱۰ رئیس قبیله و ۸ فرماندار منتصب استان این مجمع رئیس جمهور را برای دوره ای شش ساله انتخاب می‌کند. حزب اتحاد ملی آفریقای زیمباوه نقش اصلی دارد، هر چند احزاب دیگر، از جمله جنبش اتحاد زیمباوه، اجازه فعالیت دارند. آموزش: میزان با سواد: ۶۶٫۹٪ (۱۹۹۰). **ستین تحصيل اجباری:** (فرصاً) ۷ تا ۱۴ سال.

تعداد دانشگاه: ۱.

جغرافیا: مرکز زیمباوه متشکل است از رشته کوه هایبولد که تا حدود ۱۲۰۰ الی ۱۵۰۰ متر ارتفاع دارد. در جنوب غرب و شمال شرق هایبولد فلاتهای میدل ولد و لو ولد جای دارد.

رودهای مهم: زامبزی، لیمپوپو، سابی.

بلندترین نقطه: قله ایپینگانگانی، ۲۵۹۲ متر.

آب و هوا: آب و هوا در زمین های پست استوایی و در ارتفاعات نیمه استوایی است. از ژوئن تا سپتامبر فصل خشک مشخصی وجود دارد.

اقتصاد: کشاورزی حدود دو سوم نیروی کار را در بر دارد. تنباکو، نیشکر، پنبه، گندم و ذرت، هم صادر می‌شود و هم اساس صنایع آماده سازی را تشکیل می‌دهد. منابع طبیعی شامل زغال سنگ، طلا، پنبه کوهی و نیکل است.

تاریخ معاصر: از دهه ۱۸۳۰ این منطقه را شکارچیان، مبلغان مذهبی و جویندگان معدن بریتانیایی و بوئر مورد نفوذ قرار دادند. در دهه ۱۸۳۰ این منطقه به اشغال شرکت آفریقای جنوبی بریتانیایی سسیل رودز در آمد. ارتفاعات ناحیه ای که بعد ها رودزای جنوبی خوانده شده به اسکان کشاورزان سفید پوستی در آمد. آفریقایها را از زمین محروم و آنان را به نیروی کار ارزان تبدیل کردند. در ۱۹۲۳ بریتانیا اداره ای سرزمین را از شرکت تحویل گرفت و به مهاجران سفید پوست خودگردانی اعطا کرد. از جنگ جهانی دوم مهاجرت از بریتانیا و آفریقای جنوبی افزایش یافت، ولی نسبت جمعیت آفریقای به سفید پوست هنوز بیش از ۲۰ به ۱ بود. تبعیض نژادی موجب تحریک ملی گرای آفریقای در آغاز به رهبری جاشوا نکومو (متولد ۱۹۱۷) گردید. در ۱۹۵۳ رودزای جنوبی - با رودزای شمالی (زامبیا) و نیاسلاند (مالاوی) - فدراسیون آفریقای مرکزی را تشکیل نداد. زمانی که این فدراسیون منحل شد (۱۹۶۳) بریتانیا از اعطای استقلال به گرداندگان سفید پوست رودزای جنوبی بدون پیشرفت به سوی حکومت اکثریت سرباز زد. در ۱۹۶۵ حکومت سفید پوستان به رهبری یان سمیت (متولد ۱۹۱۹) به طور یک جانبه اعلام استقلال کرد و نام کشور را به روزیا تغییر داد. مخالفت داخلی سرکوب شد و بر تحریکهای اقتصادی بین المللی غلبه گردید ولی جنگهای چریکی از سوی ملی گرایان آفریقای در دهه ۱۹۷۰ به طور روز افزونی مؤثر افتاد. در ۱۹۷۹ اسمیت مجبور به قبول حکومت اکثریت شد، ولی قانون اساسی که ارائه کرد نه برای اتحاد خلق آفریقای زیمباوه (ZAPU) به رهبری جاشوا

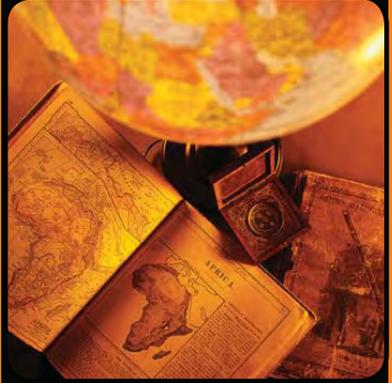
نکومو و نه برای اتحاد ملی آفریقای زیمباوه (ZANU) به رهبری رابرت موگابه (متولد ۱۹۲۸) قابل قبول بود. کلیه طرفین به منظور دست یابی به حل و فصل امور با برقراری مجدد و کوتاه مدت حکومت بریتانیا موافقت کردند. در ۱۹۸۰ اتحاد ملی آفریقای زیمباوه به رهبری موگابه کشور را به استقلال رساند در ۱۹۸۷ ZAPU و ZANU سرانجام با ادغام موافقت کردند و عملاً حکومت تک حزبی را برقرار ساختند، هر چند پیشنهاد ایجاد نظام تک حزبی رسمی معوق شده است.

اینجا پول ارزشی ندارد. کارگران بزرگترین مشکل شان را دریافت حقوقشان به پول خارجی می‌دادند. پول خارجی ارزش دارد اما اسکناس های زیمباوه انگار هر لحظه تحلیل می‌روند و کم می‌شوند. کارگران زیمباوه در حالی که حقوق خود تا شب کم و سبک شدنش را به عینت می‌بینند. صحبت از تورم ۳۰۰٪ و ۴۰٪ است. این کشور نرخ تورم ۲۳۱ میلیون درصد در سال را نیز به خود دیده است. موگابه رییس جمهور زیمباوه حتی پس از توافق با رهبر اپوزیسیون برای تقسیم قدرت نیز نتوانست مشکلاتش را حل کند. قصه پر غصه زیمباوه را پایانی نیست. رودزای جنوبی پیشین شبکه بی نظیر راه آهن و جاده های عالی داشت. شهرهایش تمدن و پاکیزه بود. همه چیز در آن کاشته می‌شد. میوه های استوایی، آناناس، مانگو، موز، پاپایا و میوه های مربوط به آب و هوای معتدل: سیب، هلو یا آلو و ذرت که خوراکی اصلی کشور است فراوان بود و می‌توانست حتی کشورهای مجاور را سیر کند. همه نوع مواد معدنی در آنجا یافت می‌شد. طلا، کروم، آزیست (پنبه ی کوه ی)، پلاتین و معادن غنی زغال سنگ. پشت سد زامبسی دریاچه کاریبا ایجاد شده بود و به شمال و جنوب برق می‌رساند. زیمباوه برای سفیدها بهشتی واقعی بود. اما این بهشت برای آفریقای ها جهنمی واقعی شد. رودزای جنوبی از سرکوبگرترین دولتهای پلیسی بود. زمانی که سیاهان سر به شورش گذاشتند و در جنگ خود پیروز شدند، با چنان ثروت و امکاناتی وروبرو شدند که نظیر آن را در هیچ کجای آفریقا حتی در آفریقای جنوبی نیز که با جنگ و نزاع قبایل رقیب و حلیی آبادهای وسیع خود فلج شده بود، یافت نمی‌شد. سه دهه گذشت تا آن ثروت و امکانات



چیزی باقی نماند. موگابه برخلاف شهری که در ابتدای استقلال کشورش کسب کرد و برخی حتی توقع تولید ماندلایی دیگر را در سر می‌پروراندند، نتوانست حسن شهرتش را حفظ کند و زود تر از آنچه پیش بینی می‌شد به ورطه هولناک مشکلات افتاد و کشورش را نیز با خود همراه کرد. نرخ بیکاری ۸۵ درصدی اقتصاد متکی به واردات، آن هم واردات مواد غذایی و اجرای بدون مطالعه برنامه هایی مانند اصلاحات ارضی و تقسیم زمین بین دهقانان همه آن چیزی را که قبلاً برای زیمباوه اتکا بود از میان برد. امروز اهالی زیمباوه که با تحریم های متعدد غرب دست و پنجه نرم می‌کنند فقیر ترین میلیوتر های جهان هستند. هر چند زیمباوه ۱۰ صفر از پولش را حذف کرده است اما باز هم مشکلاتش تمامی ندارد. اسکناس های یک میلیارد دلاری این کشور به یک دلار تبدیل شده است. اما دور باطل دوباره شروع شد و اسکناس های بیست و پنجاه هزار دلاری در این کشور چاپ شد. زیمباوه جاذبه های فراوانی برای گردشگران دارد. از جمله آبشار ویکتوریا اما به دلیل همین بحران ها صنعت گردشگری اش نیز با مشکل روبروست. زیمباوه حدود ۱۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر جمعیت دارد. بخش قابل توجهی از جمعیت این کشور طی این سال ها برای فرار از بحران از این کشور گریخته اند. انگار موگابه نتوانست نصیحت سامورا ماشل، رییس جمهور موزامبیک، و جولیوس نایرره، رییس جمهور تانزانیا را که در ۱۸ آوریل ۱۹۸۰، روز استقلال زیمباوه به وی گفتند: «تو در دستهای جواهر آفریقا را گرفته ای. و اکنون از آن خوب مراقبت کن...» آویزه گوش کند.

نرخ تورم در زیمباوه در پایان سال ۲۰۰۸ به بیش از ۲۳۱ میلیون درصد رسید. در سال ۱۹۸۰ (زمان استقلال زیمباوه از انگلستان) نرخ تورم معادل ۲۷ بوده است. ارزش پول زیمباوه طی سالهای اخیر روندی نزولی را طی کرده و با اینکه در سال جاری این روند به طور چشمگیری متوقف شده اما همچنان دلار زیمباوه یکی از بی ارزش ترین پول های جهان است. در سال ۲۰۰۸ بانک مرکزی زیمباوه اقدام به چاپ اسکناس های درشت چند ۱۰۰ میلیارد دلاری کرد. یکی از درشت ترین اسکناس های چاپ شده در این کشور اسکناس ۱۰۰ هزار میلیارد دلاری است. در سال ۲۰۰۸ بهای سه تخم مرغ برای



آبشار ویکتوریا

جداگانه درون این دره سرازیر شود. میزان دبی آب (حجم آب خروجی در ثانیه) آبشار ویکتوریا در فصول خشک و مرطوب سال تفاوت قابل ملاحظه ای دارد. در فصل مرطوب، میزان دبی آب این رودخانه در محل آبشار بالغ بر ۹۱۰۰ متر مکعب در ثانیه می‌شود و با بالا آمدن سطح آب، جریان رودخانه به شکل یک آبشار یک پارچه به دره سقوط می‌کند.

اما در فصول خشک سال، آبشار ویکتوریا به چند آبشار مجزا با حجم آب کم تغییر شکل می‌دهد و دیگر خبری از مه و ذرات معلق ناشی از سقوط آب نیست، چنان‌که میزان کل دبی آب رودخانه به ۳۵۰ متر مکعب در ثانیه می‌رسد. سطح آب رودخانه در تنگه زیر آبشار هم در فصول خشک و مرطوب بالغ بر بیست متر تغییر می‌کند.

گردشگری در آبشار ویکتوریا

همان‌طور که اشاره شد، پیش از تکمیل خط آهن بولاویو در سال ۱۹۰۵، تعداد بازدیدکنندگان آبشار ویکتوریا بسیار اندک بود. اما پس از تکمیل خط آهن و در سال‌هایی که دو کشور زامبیا و زیمبابوه مستعمره بریتانیا بودند، نیز در سال‌های آغازین استقلال این دو کشور در دهه ۱۹۶۰، آبشار ویکتوریا از جمله جاذبه‌های توریستی مهم جنوب آفریقا بود و هر ساله گردشگران بسیاری از آن بازدید می‌کردند.

اما از اواخر دهه ۱۹۶۰ و با آغاز جنگ‌های چریکی در منطقه، تعداد گردشگران کاهش قابل ملاحظه‌ای یافت و این امر تا اوایل دهه ۱۹۸۰ نیز ادامه داشت. از دهه ۱۹۸۰ و با پایان جنگ در منطقه و نیز ساخت مجتمع‌های ورزشی و تفریحی، بار دیگر آبشار ویکتوریا به یکی از مقاصد محبوب گردشگران در جنوب آفریقا تبدیل شد.

در اواخر دهه ۱۹۹۰، تعداد گردشگرانی که از آبشار ویکتوریا بازدید می‌کردند به بیش از ۳۰۰ هزار نفر در سال رسید و پیش‌بینی می‌شد این تعداد در سال‌های آتی به بیش از یک میلیون نفر برسد. اما با آغاز ناآرامی‌های داخلی در زیمبابوه در سال‌های آغازین دهه ۲۰۰۰ میلادی، تعداد توریست‌هایی که به این کشور سفر می‌کنند بار دیگر کاهش یافت. به خاطر وجود تسهیلات توریستی و تفریحی بیشتر در سمت زیمبابوه آبشار ویکتوریا، در طول تاریخ همیشه تعداد گردشگرانی که از سمت زیمبابوه این آبشار دیدن می‌کنند بیش از تعداد گردشگران سمت زامبیا بوده است. البته توریست‌هایی که ویزای هر یک از این دو کشور را در اختیار داشته باشند می‌توانند در طول روز بدون نیاز به دریافت ویزای کشور دیگر، به سمت دیگر آبشار نیز سفر کنند.

آبشار ویکتوریا که سر راه رودخانه زامبزی در مرز دو کشور آفریقای زامبیا و زیمبابوه قرار دارد، یکی از دیدنی‌ترین آبشارهای جهان است. این آبشار عظیم که ۱/۶ کیلومتر پهنای ۱۲۸ متر ارتفاع (دو برابر ارتفاع آبشار نیاگارا) دارد، از سال ۱۹۸۹ به عنوان میراث طبیعی مشترک زامبیا و زیمبابوه در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شده است.

دیوید لوبینگستون، کاشف اسکاتلندی، در سال ۱۸۵۵ از این آبشار دیدن کرد و آن را به افتخار ملکه ویکتوریا، آبشار ویکتوریا نام نهاد. اما این آبشار در زبان بومیان منطقه «موسی آوا تونیا» خوانده می‌شود که به معنی «مه خروشان» است. مه درخشانی که بر اثر سقوط این آبشار به وجود می‌آید، از فاصله چهل کیلومتری قابل رویت است.

کشف آبشار ویکتوریا

بنسبتین ساکنان نواحی اطراف آبشار، بوشمن‌های خویسان هستند که از اواخر دوران پارینه سنگی در این منطقه ساکن بودند. پس از خویسان‌ها اقوام دیگری نیز در این منطقه سکونت گزیدند که از جمله آن‌ها می‌توان به اقوام توکالیا و ماکولولو اشاره کرد.

اما نخستین فرد اروپایی که از آبشار ویکتوریا دیدن کرد، دیوید لوبینگستون بود که در جریان سفر اکتشافی‌اش در طول رودخانه زامبزی، در ۱۷ نوامبر ۱۸۵۵ به آن رسید. لوبینگستون که از نواحی بالا دست رود به آبشار رسیده بود، سپس با قایق به جزیره کوچکی در میان رودخانه رفت که اکنون به نام او خوانده می‌شود.

لوبینگستون که قبلاً آبشار انگونی را در نواحی بالا دست رود زامبزی دیده بود، با دیدن عظمت و شکوه آبشار ویکتوریا حیرت زده شد. او در خاطرات خود می‌نویسد: «هیچ‌کس نمی‌تواند زیبایی این آبشار را با هیچ منظره‌ای در انگلستان مقایسه کند. هیچ فرد اروپایی تا به حال چنین چشم‌اندازی ندیده است؛ چشم‌اندازی چنان زیبا که احتمالاً فرشته‌ها هم هنگام پرواز مسحور آن می‌شوند».

لوبینگستون بار دیگر در سال ۱۸۶۱ و این بار به همراه جان کرک، دیگر کاشف اسکاتلندی، برای مطالعه و بررسی بیشتر آبشار ویکتوریا به این ناحیه بازگشت. کاشف اروپایی دیگری که در این سال‌ها از آبشار ویکتوریا دیدن کرد، سرپا پیتو، کاشف پرتغالی بود. اما در کل آبشار ویکتوریا تا پیش از افتتاح خط آهن منطقه در سال ۱۹۰۵، به ندرت مورد بازدید قرار می‌گرفت.

ویژگی‌های طبیعی آبشار ویکتوریا

آبشار ویکتوریا تقریباً در میانه راه رودخانه زامبزی (به طول بیش از ۲۷۰۰ کیلومتر) قرار دارد. این رود پیش از رسیدن به آبشار، مسافت قابل توجهی را بر بستری از سنگ‌های بازالت و در میان دره‌های ایجادشده با تپه‌های ماسه سنگی طی می‌کند.

در نقاطی از رودخانه که عرض آن وسیع‌تر می‌شود، جزیره‌های کوچک پوشیده از درختی در میان آن به چشم می‌خورند که تعداد این جزیره‌ها با نزدیک شدن رودخانه به محل آبشار ویکتوریا افزایش پیدا می‌کند. آبشار ویکتوریا با سقوط رودخانه زامبزی درون دره تنگ و باریکی به ارتفاع بیش از ۱۲۰ متر شکل می‌گیرد. جزیره‌های فراوانی که در محل تاج آبشار قرار دارند، باعث می‌شوند تا آب رودخانه به شکل چند آبشار

پارک ملی Hwange



برق به صنایع این کشور ناتوان بوده است. تعدادی از معدن‌کاران مانند ریوتیتو نیز به دلیل ناتوانی دولت زیمبابوه در تأمین برق آن‌ها در سال ۲۰۰۷ قراردادی را امضا کردند که بر اساس آن قرار شد برق موردنیاز خود را به طور مستقیم از موزامبیک وارد کنند تا بر بحران برق در زیمبابوه غلبه کنند.

ریوتیتو قصد دارد ۲۰۰ میلیون دلار برای افزایش تولید معدن پادشده هزینه کند، اما در عین حال قصد شده اطمینان حاصل کند که این سرمایه‌گذاری در امنیت لازم برخوردار باشد. یکی از موارد امنیتی موردنظر ریوتیتو مربوط به تصمیم رابرت موگابه رئیس‌جمهور زیمبابوه می‌شود که دستور داده است کنترل کلیه معادن در این کشور آفریقای جنوبی در اختیار زیمبابوه‌ای‌ها قرار گیرد. دولت موگابه سال گذشته لایحه‌ای را تهیه کرده بود که بر اساس آن مالکیت خارجی کارخانه‌های واقع در این کشور باید به افراد بومی این کشور واگذار شود. در حال حاضر شرکت‌هایی مانند ریوتیتو، آنکلو پلاتینوم بزرگترین معدن کار پلاتین در جهان، ایمپلس و آکواریوس پلاتینوم در بخش معدن کاری زیمبابوه حضور داشته و سرمایه‌گذاری‌هایی را انجام داده‌اند. به گزارش رویترز، معدن در زیمبابوه در سال‌های اخیر از بخش کشاورزی به عنوان بزرگترین بخش اشتغال‌زا پیشی گرفته است و چهار درصد از تولید ناخالص داخلی این کشور را به خود اختصاص می‌دهد.

دریاچه کاربیا kariba آبراه عظیم ساخته شده توسط انسان



Hwange یوتسوانا بزرگترین، پارک ملی

زیمبابوه است. این پارک، پوششی به مساحت بیش از ۱۴/۵۰۰ کیلومتر مربع واقع در غرب و با ارتفاع متوسط ۳۳۰۰ فوت (قد ۱۰۰۰) بالاتر از سطح دریا و هم‌مرز با آبشار ویکتوریا در شمال غرب می‌باشد. این پارک مشهور به گله‌های بزرگ فیل است. این پارک دارای ۴۰۰ گونه از پرندگان و متنوع‌ترین حیوانات از جمله فیل، زرافه، گورخر، گاو وحشی، کفتار، شیر، پلنگ، یوز پلنگ و انواع بز کوهی مانند Impala و kudu می‌باشد.

مردم زیمبابوه معادل ۱۰۰ میلیارد دلار بود. در ژوئن ۲۰۰۸، در بازار آزاد هر دلار آمریکا در برابر ۴۵/۱ میلیارد دلار زیمبابوه مبادله شد. از ماه می تا ژوئن ۲۰۰۸ (تنها دو ماه) ارزش دلار زیمبابوه تا ۸۴ درصد سقوط کرد. طی دو سال گذشته دولت ۲۲ صفر از واحد پول این کشور را حذف کرده است. تنها در فوریه ۲۰۰۹ دولت ۱۲ صفر از دلار زیمبابوه را حذف کرد.

اما حقایقی در مورد زیمبابوه:

امید به زندگی از ۶۰ سال به ۳۷ سال در مردان و از ۶۰ به ۳۴ سال برای زنان در این کشور کاهش یافته است. به عبارت بهتر کمترین میزان شاخص امید به زندگی در جهان (۱/۸ میلیون از مردم این کشور ایدز دارند). بالاترین میزان تورم در جهان مربوط به زیمبابوه است. ۸۰ درصد از جمعیت زیمبابوه بیکار هستند.

معدن الماس

معدن الماس Murowa معدن الماس در زیمبابوه که در اختیار شرکت ریوتیتو قرار دارد، در سال ۲۰۰۷ کاهش ۴۰ درصدی تولید را به دلیل قطعی بی‌دربی برق و تأخیر در اجرای طرح توسعه آن تجربه کرد. این معدن که ۷۸ درصد از سهام آن توسط ریوتیتو مدیریت می‌شود، در سال ۲۰۰۷ حدود ۱۴۵ هزار قیراط الماس تولید کرد که این میزان در سال ۲۰۰۶ حدود ۲۴۰ هزار قیراط بود. همچنین این شرکت انگلیسی استرالیایی با کاهش درجه خلوص الماس در این معدن در سال گذشته مواجه شد. علاوه بر این شرکت تأمین برق دولتی ZESA از دادن تعهد برای تأمین

پوشش آن به مساحت بیش از ۶۵۰۰ کیلومتر

مربع می‌باشد. در سال ۱۹۵۸ به منظور فراهم کردن نیاز آبی برقی تکمیل شد. دریاچه کاربیا زیمبابوه بزرگترین زمین‌بازی جهت اسکی، قایقرانی و ماهیگیری می‌باشد. این دریاچه با اینکه برای شنا مفید است به علت تعدد تمساح در این دریاچه شنا خطرناک می‌باشد.

در سواحل دریاچه حیات وحش دیده می‌شود، مانند انواع بوفالو، فیل، کرگدن و بسیاری از دیگر گونه‌های پستانداران کوچک و انواع پرندگان مانند جالوت، ماهی خوار سفید، حواصیل خاکستری egres، عقاب، باز مشاهده می‌شود.

